

در حاشیه ممنوعیت پذیرایی در جلسات دفاع دانشجویان



کاتون: محمد علی احمد

024

حسبیت ابدی

مَشْه ايجور بيره!! / صفحه ۲

راهکارهای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با تورم

گیر کق / صفحہ ۷

استخدام مهارت‌های خاص!

کمیک / صفحہ ۸

سلام میله؛ سلام ب.ز!

- سلام میله!
- سلام لوله!
- میله! تو چه کار کردی که به این درجه از عرفان رسیدی؟!
- به کدام درجه از عرفان، لوله؟!
- به چنان مرتبتی که هر انسانی را در پشت تو قرار بگیرد، تغییر بدهی؛ تغییری بس شگرف!
- خب این کار منه لوله! آدما، آدمای دیگه رو می ندازن پشت ما میله ها که تغییرشون بدیم.
- ولی میله! تو فقط آدم ها را تغییر نمی دهی! به آن ها آموزش داده و چیزهای جدید یادشان می دهی!
- آره لوله! مگه نشنیدی که شاعر می گه: «پشت میله، شهری ست»! پشت ما میله ها هزاران درس و کلاس و مدرسه و دانشگاه و آموزشگاه و مراکز تحقیقاتی نهفته ست!
- میله! شما میله ها به هر کسی که از پشتتان آزاد بشود، مدرک فارغ التحصیلی هم اعطا می کنید؟
- آره لوله! مدارک ما بین المللیه! بر اساس خط محاسبه می شه.
- میله! من لوله ام! مغز ندارم که بفهمم چه می گویی! کمی بیشتر توضیح بده. کدام خط؟! از همان خط هایی که پشت میله ای ها روی دیوار می کشند تا حساب روز و ماه و سال از دستشان درنرود؟!
- نه لوله! آدما با هر مدرک تحصیلی و هر جرمی بیان پشت ما، اولش در مقطع «یک خط» هستن، ولی پشت ما با تلاش و کوشش و کسب علم و تجربه و مهارت می تونن تا مقطع «هفت خط» پیش برن!
- تا حالا فارغ التحصیل مقطع «هفت خط» هم داشته اید، میله؟!
- آره لوله! نفر داشتیم با «یک خط» و یک تخصص توی زمینه اختلاس در فروش نفت اومد پشت ما، با مدرک «هفت خط» و تخصص در واردات طلا، واردات ارز، واردات بانک خارجی، واردات خودرو برقی، واردات قطار، واردات هواپیما و واردات بازیکن فوتبال از پشت ما فارغ التحصیل شد!
- سلام میله!
- سلام ب.ز! از این طرفا! دوباره برگشتی پشت ما؟!
- نه میله! سنگ پام توی حموم جا مونده بود، اومدم بردارم برم!

مشه ایچور بره؟! خسر و آبادیان

حساسیت ابدی



تابستان ۱۴۰۴: سخنگوی دولت گفت: دولت به مسائل معیشتی مردم حساسیت ویژه ای دارد. (صداسیما)

پاییز ۱۴۰۴: خبرنگاری از سخنگوی دولت پرسید: برنج امروز نسبت به یک ماه پیش دو برابر شده است. دولت چرا کاری انجام نمی دهد؟ خانم سخنگو گفتند همان طور که قبلا

گفتم، اعضای دولت به این مسائل معیشتی خیلی حساسیت دارند و تا بحث این موارد پیش بیاید، بلافاصله حال همه شان بد می شود؛ صورتشان جوش می زند، پوستشان کهیر می زند و تپش قلب شدید می گیرند. لذا در این جلسه فقط درباره موضوعات دیگری مانند کنسرت ها و لغو کنسرت ها بحث و گفت و گو شد.

زمستان ۱۴۰۴: وزیر اقتصاد که دو هفته پیش برای سفری یک روزه به کیش رفته بود، تازه امروز از سفر برگشت. معاون وی گفت: از آنجا که جو آنجا طوری است که زیاد درباره معیشت مردم حرف نمی زدند، وزیر اقتصاد که حساسیتش به این کلمه زیاد است، برای درمان به این سفر رفته بود.

بهار ۱۴۰۵: خبرنگاری گفت این دیگه چه وضعه؟ بهتر نیست اگه اعضای کابینه به معیشت مردم حساس هستند، قرص ضد حساسیت بخورند و بعد درباره معیشت مردم فکری کنند؟ سخنگوی دولت در پاسخ گفت: مگر حساسیت دولت یک ذره دو ذره است که با قرص خوب شود؟ حساسیت به معیشت این قدر در دولت بالاست که با این دارو پاروها برطرف نمی شود.

تابستان ۱۴۰۵: خبرنگاری پرسید اگر این حساسیت شما روی معیشت مردم تمام شده است، من یک سؤال بپرسم. سخنگوی دولت گفت: تمام نشده است و نخواهد شد. حساسیت فصلی که نداریم، حساسیت سالی و دائمی است.

پاییز ۱۴۰۵: بعد از اینکه یک خبرنگار امروز گفت: «م...»، سخنگوی دولت از حال رفت. وی پس از اینکه به هوش آمد، گفت: چون دولت روی معیشت از قبل هم حساس تر است و من هم جزئی از این دولت هستم، به خاطر حساسیت، هنوز شما نگفته بودید «معیشت»، غش کردم که البته این غش من یک غش کاری بود.

زمستان ۱۴۰۵: وزیر اقتصاد گفت: من حساسیت کم شده است، ولی نمی دانم چرا دیگر مردم درباره معیشت خود حرف نمی زنند؟! یک کارشناس اقتصادی به ایشان گفت: مردم این قدر گرفتارن که بی خیال شدن، شما هم بی خیال!

صفحه ۲
۱۵ شهریور ۱۴۰۴
شماره ۱۴۵

کنج تو کنج منصوره احمدی

نشست خبری سخنگوی دولت در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی



شاخ قربونت! ما هم عین خودتون شاخ درمی آریم از این قیمت!

واکنش دولت و اقدام عملی اون به بالا رفتن دقیقه ای نرخ ارز چیه سرکار خانم؟

نشست خبری وزیر کشاورزی



اینکه فرمودین تولیدگندم به علت کمبود آب و برق ۳۰-۴۰ درصد کاهش داشته. اختلالی در عرضه نان مورد نیاز مردم در چندماه آینده ایجاد نمی کنه قربان؟ در این رابطه چاره اندیشی شده؟

اساسا سیاست ما این نیست که غصه پیش خور کنیم. هر زمان مشکلی پیش بیاد، وقت زیاده، همون موقع فکر چاره خواهیم کرد.

مجلس شورای اسلامی



چی؟ لبو تو ایران یک میلیون عروسک فروخته؟ یعنی گردش مالی چقدر؟

۷۰۰ میلیارد تومن!

یا اسطوخودوس! بفرما، من نمی گم این ملت پول دارن؟ باز بگین وضع مردم خرابه.

حضور وزرا و اعضای هیئت دولت در چین



چته عراقچی؟ چرا تو لکی؟ این قدر حرص اون مکانیسم ماشه رو نخور، نهش یه چیزی می شیم دیگه.

ماشه چیه بابا؟! بخاطر سند راهبردی ۲۵ ساله با چین دکتر قدغن کرده توی یکن رستوران برم

زحمت اضافه برای مسئولان

دگر ز منزل جانان سفر مکن درویش

که سیر معنوی و کنج خانقاهت بس

زیادتی مطلب، کار بر خود آسان کن

صراحی می لعل و بتی چو ماهت بس

به هیچ ورد دگر نیست حاجت ای حافظ

دعای نیم شب و درس صبحگاهت بس

در این فال مشخصه اخبار زیاد و متفاوت اخیر ذهن جناب حافظ رو خیلی درگیر کرده. در بیت اول به اشاره کوتاه داره به سفر اخیر رئیس جمهور به چین و می فرماید: ای رئیس جمهور درویش مسلک! بشین توی همین خانقاه ریاست جمهوری خودت و هی این ور و اون ور نرو. هم میزبان رو توی زحمت می ندازی، هم با پروتکل ها حاشیه درست می شه. بشین دیگه! در بیت دوم جناب لسان الغیب توجهی دارن به کنسرت میدان آزادی همایون جان شجریان و توصیه می کنه آقا چیزای زیاد و بزرگ از این مسئولانخواه! خب سختشونه! اول توی رودریایستی ممکنه بگن باشه! ولی بعد به انجامش که می رسه، می گن نه! هم خودت می خوره توی ذوقت، هم مردم ذوقشون کور می شه! بشین خونه و به همون کارای قبلی ات برس! در بیت آخر حضرت به یکی از مفسدان اقتصادی که به تازگی شدن فعال بزرگ اقتصادی، اشارتی گذرا می کنن و می گن ببین از زحمت و دعای خودش به جایی رسیده؟ انگار ما پولش رو خوردیم والان باید ازش عذرخواهی هم بکنیم!



وزیر اقتصاد: گوشت کنیایی وارد بازارها و میادین می شود

دورهمی گوشت خوارها (ورود گیاه خواران ممنوع)

عیب نداره، منجمد برزیلی نخورین، کنیایی بخورین. ولی اگه موقع جام جهانی توی یک گروه افتادیم، انتقام این پشت کردن به گوشتای کشورمون رومی گیریم.

شانس آوردیم که با وجود حیات وحش همواره وحشی آفریقا، این گوشتازمان حیاتشون گیر شیر و پلنگ آفریقایی نیفتادن، وگرنه گوشتی نبود وارد کنیم.

واردات این حجم زیاد از گوشت به خاطر تفاهم نامه همکاری بین فدراسیون دوومیدانی هردو کشور بود. دوندگان کنیایی می دویدن و این گوشت ها را نجات می دادند تا گیر درندگان نیفتند.

کاش پیش از واردات یک کوچولو چک می کردین ببینین بین گوشت منجمد برزیلی و منجمد کنیایی، کدوم منجمد تره، همون رو وارد می کردین. اینجابر ق واسه منجمد نگه داشتن نداریم ها گفته باشم.

چون این گوشت ها زمان حیاتشان توی فضای گرم استوایی زندگی کرده اند، الان هم تحملشان به گرما خوب است! حتی اگر خاموشی چهار ساعت هم بیشتر طول بکشد.

این واردات سرد از کنیا نوبت شروع فصل گرم و جدیدی از روابط بین ایران و کنیا ست.

آخ آخ! گفتمی فصل جدید، دل شوره گرفتم. یاد ما اومد نزدیک فصل پاییزی، واسه کمبود معلم هنوز کاری نکردیم.

می خوای بیرسم ببینم معلم منجمد کنیایی هم دارن که اون رو هم در راستای گرم شدن و تحکیم روابط وارد کنیم؟

حالا ما موقع ناها رو شام برنامه های راز بقا مرتبط با آفریقا پیش می کنیم تا بفهمین دقیقاً کدوم حیوانی رو با آفریقا پیخش می کنیم تا بفهمین دقیقاً کدوم حیوانی رو وسط این مستند تبلیغ بذاره، بیاد پی وی.

صفحه ۲

۱۵ شهریور ۱۴۰۴

شماره ۱۴۵

یک یواشکی شش کیلومتری

بی خاصیت ترین توصیه هفته:

این هفته برخی رسانه ها به نقل از کارشناسان نوشتند که یخ گوشت را نباید در دمای خانه آب کرد، چون حالت آبدار پیدا می کند که مضر است. بنابراین باید آن را در یخچال گذاشت تا یخش آب شود. این را باید به آن ها گفت که هنوز می توانند گوشت بخورند. این توصیه مثل این است که به کسی که نگران ترکیدن لاستیک فرسوده پراید خود است، بگویند داخل باک لامبورگینی فقط باید بنزین با آکنان بالا ریخت.

نابلدترین فدراسیون هفته: ملی پوش

پیشین تنیس گفت: فدراسیون مسابقاتی را برگزار می کند که در آن یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان ورودی می گیرد. اما حتی یک آب معدنی هم کنار دست بازیکنان نمی گذارد. فدراسیون می توانست ۲ میلیون تومان ورودی بگیرد، یک آب معدنی هم بخرد و کنار دست بازیکن بگذارد. این طوری هم بازیکن خوش حال تر بود و هم مسئولان فدراسیون پول بیشتری دستشان را گرفته بود.

ساکت ترین خلاف هفته:

لوله ای به طول ۵.۷ کیلومتر از زیر سواحل میناب کشف شد. قاچاقچیان با این لوله ها سوخت را از ساحل به دریا می رساندند. یعنی اگر در مشهد بود، تقریباً همان فاصله میدان سپاد تا پل فجر می شد. آن ها لوله حدود شش کیلومتری را پنهان کرده بودند و استفاده هم می کردند، ولی این پسر همسایه ما یک نخ سیگار نهایتاً ۹ سانتی متری را نمی تواند پنهان کند و هر روز پدرش یکی پیدا می کند و صدای

دعایشان تا خانه ما می آید!

تمشکی ترین پلخمون هفته:

سختگوی دولت گفت: دولت فیش های حقوقی کارکنانش را زیر ذره بین دارد. بنابراین تمشکی ترین پلخمون این هفته را به ایشان می دهیم تا یادشان باشد برای دیدن فیش نجومی یک تلسکوپ در حد تلسکوپ هابل نیاز است، نه ذره بین!



ارکای مغربک شورای همکاری خلیج فارس: سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی متعلق به امارات است!

من جنس فروشم، نه کلم یا که هویج با مصرفش آدمی شود فوراً گنج کیفیت جنس من حسابی بالاست شک داری اگر، نمونه اش شیخ خلیج!

سرودن اشعار کاغذی در افغانستان ممنوع شد!

نبینم من نشست توی خانه سرایی شعرهای عاشقانه اگر از لیلی و مجنون بگویی سر و کارت فقط با طالبانه

باورنگرنی: فروش بیش از یک میلیون لبو بود ایران

امان از زشتک! چینی، لبوبو بزرگ و مدیوم و مینی، لبوبو به هر سو بنگری، کوه و در و دشت فقط بینی، فقط بینی لبوبو!

اتحادیه املاک: مکانیسم ماشه بر بازار مسکن بی تأثیر است

نه اینکه هست از سیمان و آهن تکان حتی نخورد از جایش اصلاً به روی او نکش بیهوده ماشه همین جویش هم مرده ست مسکن

راهکارهای همزیستی مسالمت آمیز با تورم

در خبرها داشتیم تورم مواد غذایی در یک سال دو برابر شده و تورم سالانه خوراکی ها در مرداد از تورم تیرماه بیشتر شده و این شاخص به بیشترین مقدار در یک سال اخیر رسیده است. همیشه که نمی شود غرزد. گاهی باید راهی یافت یا راهی ساخت. پس چند راه حل برای دورزدن تحریم ها... ببخشید، تورم ها آموزش می دهیم تا بیاموزید و به کار گیرید و این قدر غرزنید.

نخریدن

اولین راه بی اثر کردن تورم، نخریدن است. اگر خانه گران است، خب نخرید. به جایش اجاره کنید و پول خریدش را به رهن بدهید. اگر ماشین گران است، خب نخرید. سوار اتوبوس شوید و پول بیمه و تعویض روغنش را به تاکسی اینترنتی بدهید. اگر گوشت گران است، خب نخرید و از سویا و حبوبات استفاده کنید. اگر حبوبات گران است، خب نخرید و هوا بخورید. چون هردو باد دارند. اگر میوه گران است، خب نخرید و در عوض قرص مکمل بخورید تا ویتامین بدن تأمین شود. اگر قرص مکمل گران است، خب نخرید و آمپولش را بزنید. کلا نخرید تا حرص هم نخورید.

نخورن

حالا جای دوری نمی رود اگر گوشت و مرغ و میوه و برنج و حتی نان هم نخورید. چیز گران با تورم بخورید بهتر است یا اصلا چیزی نخورید و در نتیجه تورم را هم حس نکنید و غرزنید؟ یعنی این چیزهای بدیهی را هم ما باید به شما آموزش دهیم؟ حالا به جای خوردن «ماچا» با «موچی» در کافی شاپ، روی فرش خانه خودتان با زیرشلواری، ساقه طلایی رادر جای شیرین بزنید و نوش جان کنید. تاریک هم نیست، بوی سیگار هم نمی آید و نمی خواهد پول آن چنانی هم بدهید. تازه مزه آب حوض هم نمی دهد.

نخواندن اخبار

حالا آمدیم و چیزی نخوردیم و نخریدیم و اصلا کاری به تورم نداشتیم. وقتی تلویزیون را روشن می کنیم یا گوشی به دست می گیریم و اخبار را می خوانیم، اینجاست که تورم دوباره به سراغمان می آید. بد جور هم می آید. حالا هی شما بدو، هی اخبار تورم دنبالت بدو، تا بالاخره یک جایی گیرت بیندازد... واقعا حیفتان نمی آید که به جای انجام کارهای حال خوب کن، اخبار بخوانید؟ مثلاً در اینستاگرام ریلزها و استوری های اینفلوئنسرها را ببینید که چه زندگی شاد و راحتی دارند. یا در کانال های تلگرامی جوک بخوانید و ویدئو مصاحبه زن و مرد ساخته هوش مصنوعی ببینید و شاد شوید. اصلا هم به سراغ کانال های خبری نروید، مگر اینکه کرم داشته باشید!

ننخن

راستش می خواستیم چند تا فعل دیگر را که با «نخ» شروع می شود، سرهم کنیم که دیدیم جاکم است. در نتیجه به عنوان آخرین راه برای فرار از تورم، به دور و برتان بخندید، ولی خنده تلخ، خنده معمولی با «خخخ» است، ولی خنده تلخ منفی است و با «نخخخ» نمایش داده می شود. مثلاً به این بخندید که بابک زنجانی قرار است اقتصاد را سروسامان بدهد، یا لغو کنسرت رایگان برگزار کردن همایون شجریان در میدان آزادی، یا وزیر نیرو قول داده است با پایان تابستان مشکل آب و برق هم حل شود و... واقعا نخخخ...

صفحه ۴
۱۵ شهریور ۱۴۰۴
شماره ۱۴۵

به جاده بزنید

اگر رادیو می گوید «هم اکنون سنگین ترین ترافیک در جاده ها»، همان لحظه استارت بزنید. در راه ماندن بهتر از هرگز رفتن است. از مسیر لذت ببرید. سفر از خودتان آغاز می شود.

وسایل کامل ببرید؛

کوبی مهاجرت می کنید!

برای دو شب شمال، طوری وسایل ببندید که انگار برای فتح الفتوح رفته اید. فقط از بردن یخچال و لباس شویی کوتاه بیایید.



فرمان ۷ برای سفر تابستانی



فرمانک شهروندی
فرزانه زینلی

خاطرات روزانه یک مسئول ناترازی



پلتفرم داخلی پیام تند و تیزی داده بود و بعد از بد و بیراه گفتن به همه گفته بود ناترازی اصلی، ناترازی در مدیریتته. ما که با جون و دل به حرف مردم عزیزمون گوش می دیم. فقط حیف که برخی پیام رسان های داخلی باگ دارن و پیام ها خیلی هم ناشناس نیستن و شماره تلفن ها رو هم نشون می ده. به هر حال ظاهر و باطن هرکاری از دست ما بریاد. برای راحت تر کردن تحمل ناترازی ها توسط مردم نازنین انجام می دیم.

چهارشنبه

امروز آقای دکتر نامه زد که نیروی جدید بگیرم. چون باید یک اداره جدید به سازمانمون اضافه بشه. فکر کردم برای حل ناترازی بنزین قراره این کار رو بکنیم که نیازی به اداره نداره و با یک کارمند هم کار راه می افته. ولی آقای دکتر گفت کار بالاتر از این حرفاست. ناترازی منابع مالی داریم. چقدر ناراحت شدم. به خاطر این وظیفه جدید. قرار شد کارانه ماهم دو برابر بشه. هرچی از سختی کارمون بگم، کم گفتن. خوبه فردا و پس فردا تعطیلیم.

به زیرزمین. سیستم تصفیه آب رو خاموش کرده بودم. حالا درسته که برق محله ما قطع نمی شه، ولی دلیل نمی شه که هرازگاهی خودم یه چیزی رو خاموش نکنم تا مشکل مردم رو با پوست و گوشت حس کنم.

روشنه

هوا داره خنک می شه و خبر رسید که باید آماده بشیم برای پاییز و ناترازی گاز. واقعا یک روز هم وقت سرخاروندن و استراحت نداریم ما. هر روز باید شاهد ناترازی یک چیزی باشیم. عوضش هوا که سرد بشه، ناترازی آب و برق کمتر می شه و خدا رو شکر که می توانیم کمکی به مردم خوب کشورمون بکنیم.

سه شنبه

ما همیشه گوشمون برای شنیدن انتقادها و پیشنهادهای بازه. راه های ارتباطی متنوعی هم برای تماس با مردم گذاشتیم. امروز یک نفر در ربات پیام ناشناس یک

وزیر نیرو گفته است «بیش از هشت ماه است برای امروز برنامه ریزی می کنیم. به زودی مشکل برق حل خواهد شد. اما در خصوص آب مشکل داریم». اینکه هشت ماه است برنامه ریزی می کنند و نتیجه این شده است. واقعا جای تشکر دارد! البته که بدیهی است با سرد شدن هوا، مشکل برق هم حل می شود و اگر باران و برف بیارد هم مشکل آب. برای دیدن زحمات دیگر این عزیزان، خاطرات روزانه یک مسئول ناترازی ها را با هم می خوانیم.

سه شنبه

امروز آقای رئیس گفت که مردم از قطعی آب و برق و نت و تلفن عاصی شدن. گفتم خودم می دونم آقای رئیس، ولی تقصیر من چیه؟ ناترازی انرژی داریم و من مسئولش هستم و باید به طور عادلانه قطعی رو بین مردم تقسیم کنم. البته که بعضی محله ها قطعی ندارن، ولی سعی می کنم به طور عادلانه قطعی برق رو توی بقیه محله ها سرشکن کنم. بالاخره ما در برابر مردم مسئولیم.

چهارشنبه

جلسه با کارآفرینان و کارخانه دارها بود. می گفتن داریم ورشکسته می شیم؛ تولید نصف شده، حقوق کارگر رو نمی تونیم بدیم، دستگاه ها مون صدمه دیدن، تعطیلیا هم باعث شده نتونیم با خارجیا معامله کنیم. گزارش های غم انگیزی ارائه دادن. حسابی ناراحت شدیم. واقعا جلسه خوبی بود.

شنبه

حس می کنم که دو روز تعطیلی برای ما با این حجم از مسئولیت کمه. باید پیگیر بشیم که شنبه هم تعطیل بشه. این طوری ناترازیها هم کمتر می شه.

یکشنبه

امیرپدرام گفت بابا، آب استخر سرده. گفتم مرد باید توی آب سرد شنا کنه. تو قراره بعد از بازنشستگی من مسئول ناترازی بشی، باید آبدیده و رنج کشیده باریبی. نیم ساعت بعد نازنین پارمیدا آمد و از سردی آب استخر شکایت کرد. فوری گرمایش استخر رو روشن کردم و خودم رو رسوندم

گردشگری کنید

برای یک روز سفر، ده مقصد انتخاب کنید. صبح دریا، ظهر جنگل، عصر بازار، شب کوه و قس علی هذا. جوری باشد که بعدا با دیدن عکس ها، از همدیگر بپرسید: «واقعا گردشگری از گوشی خودمون شروع می شه!»

اسپیکر را فراموش نکنید

اسپیکر رکن اصلی سفر شماست. لذت شنیدن ترانه های شش و هشتی در طبیعت یا کنار دریا را از دست ندهید. به این توجه نکنید که حیوانات از سروصدای شما آزرده شده اند یا دیگر مردمان اعصابشان خط خطی شده است. شما برای سفر هزینه کرده اید؛ کوتاه نیابید!

عکس بگیرید

حداقل ۲ هزار عکس می گیریم؛ ده تا با درخت، بیست تا با دکه ذرت مکزیکی و پنجاه تا در حالت اشاره مرموز به جایی نامعلوم.

همان همیشگی!

چه در جنگل، چه لب دریا، چه کنار زاینده رود خشک، سفره تان را پهن کنید و استانبولی را بگذارید وسط. باقی مردم برای دیدن طبیعت نمی آیند؛ همه به شوق دیدار شما می آیند!

دردار من و پوتین چهار ساعت طول کشید

پزشکیان:

وزیر نفت:
هیچ مشکلی برای
فروش نفت نداریم
خریداران خودشان بسطه بیاورند

وزیر کشاورزی:

تا آخر این هفته قیمت مرغ به روال قبل
قیمت یک ماه قبل کورت قرف برمی گردد

جایگزین
برخی مسئولان مجری بلیر
گوشه دولتی معرفی شد

مسئول
گوشه کنیایی
کیلویی ۶۰۰ هزار
تومان

پزشکیان:

جایگزین
دستگاه دیپلماسی

جاده صاف کن
هر مسیری است

بازداشت
کلاهبرداری که
به مردم مرده‌ها
چک ملی کشید
می زدی گفت
تونباید بگیری

مقالی
تصویب واژه «اکرو چنده» به جای «کراچی»
برای خرید میوه در فرهنگستان زبان

ترامپ:

مادران می توانند از ماحی تا به به عنوان
سلاح حمل کنند
(استفاده)

پیراه

میم نون راد

شهریه دانشگاه
رو چند برابر کردن!
باید برای آینده من
سرمایه گذاری کنی
خسبیس! اسکروچ...



در حاشیه گلایه دانشجویان
از افزایش چند برابری شهریه دانشگاه آزاد

آقای نویسنده،
سناریو رو قبلاً به
بابام دادی. قبول
نیست. من حالا
چطوری چک شهریه
آزش بگیرم؟

بله پسر گلم،
دسته چک
همین جاست.
الان برات
می نویسم. تو
فقط روی درس
تمرکز کن.

میم رو اشتباه اومدی!
باید می رفتی توی این میم.

پسر دست و پا چلفتی!
من سن تو بودم، هم شغل
داشتیم، هم بابای تو بودم!
آخرش هم که می خواهی
به هوای کار کردن توی
تاکسی اینترنتی سوئیچ
ماشین رو بگیری بری با بر
و بچس دور دور!

عه! حتما خبر بالایی
ستون رو خوندین.
اسپیول شده!
وگرنه قرار بود شما
قربون صدقه م برین.
بعد من برم سر اصل
مطلب.

باز وقت چکای
این شهریه کوفتی
دانشگاهت شد.
فیلسوف شدی؟

بابا، یادته می گفتی
درس بخونم
تا واسه خودم
کسی بشم؟

تو الان باید عصبانی باشی!
می دونستم همون میم اولی
درست بود.

نویسنده

صفحه ۶
۱۵ شهریور ۱۴۰۴
شماره ۱۴۵

ناسوس

فرشته شایان

درسته دانشمندا جواب
اینکه پشه هاروزا کجانی رن
رو پیدا نکردن. ولی بالاخره
فهمیدیم روزا کجانی رن!
والا ماکه قصدی برای تغییر
نرخ ارز نداریم. ولی خدا
شاهده، با این نرخ دلار
که دسته گل شماهاست،
تا شاید لعظیم هم
نمی تونین برین. ایسلند
میسلند رواز سرتون بیرون
کنین مردم.



فرزین

سگ رو بزنی، می ره اون
آیس پک خراب شده که ما
بریم؟ وابده بابا، بده بزنی. دو
روز دنیا ارزش این خنتمه بازیا
رونداره. خبر مرگش ترامپ که
ترامپه یک هفته ناپدید شد.
سیمپسون ها گفتن رفتنیه.
البته ما خودمون یازده روز
خانه نشینی احمدی نژاد
مرگان داریم! ولی به هر حال خدا
رو چه دیدی؟ زدو بارفتنش یک
جهان، ایسلند شد!



پشه

ایسلند هفدهمین سال پیمایی به عنوان آرام ترین کشور دنیا
انتخاب شد. این کشور تنها کشور بدون پشه جهان است و فقط
یک پشه در آن وجود دارد که آن هم در الکل نگهداری می شود تا
مردم بتوانند پشه را از نزدیک ببینند. (پارسینه)

همچین می گن آرام ترین کشور دنیا، انگار بقیه جاها چه
خبره! بعدم من همیشه گفتم ایران اگه همین یه مشکل
پشه نداشته باشه، بهترین جای دنیا برای زندگیه. البته
در کنارش یه ژنراتور و پمپ آب و پول زیاد و خونه و ماشین
و پوست کلفت و اعصاب مشتی هم خب بالاخره لازمه
به هر حال.



وزیر نیرو



صفحه ۷

۱۵ شهریور ۱۴۰۴

شماره ۱۴۵

ریالیا و دلاریا!



آخر شب بود. دیگر زندانیان خواب بودند. صورتم را از بین میله های سلول به زور به چپ و راست می چرخاندم تا ببینم زندانیان کی می آید. در تاریکی شب نفهمیدم از کدام سمت آمد. یکهو ظاهر شد. به او گفتم: «دیر کردی.» گفت: «فقط تو نیستی که. من سنگ صبور زندانیای دیگه هم هستم. تا قصه شون رو بگن و خوابشون ببره. کلی طول می کشه!» گفتم: «حالا نمی شه یه بار هم تو برای ما قصه یا لالایی بگی؟! شاید خودت خوابت ببره و ما کلید رو برداریم و دیگه منتظر سند اون بنده خدا نباشیم که هر سری ما رو نجات می ده.» و ریز خندیدم. گفت: «تو اگه لالایی بلدی، چرا خودت خوابت نمی بره؟! باید من پیام قصه رو بشنوم؟!» گفتم: «من می توئم خودم رو به خواب بزنم. ولی خوابم نمی بره. چون عذاب وجدان دارم! باید با یکی صحبت کنم. شما هم جای تراپیستما!» گفت: «خب بگو. وقت ندارم. این دفعه سر چی آوردنت اینجا؟» گفتم: «هیچی دیگه. اصلا در نظر نمی گیرن من دست و پا و زبونم در اختیار خودم نیست. نیتم خیره که حرفای گنده کنده می زنم. ولی خب زدن توی برجکم! دشمن نمی خواد ما پیشرفت کنیم.» گفت: «چی گفتی مگه؟» گفتم: «هیچی، گفتم من می خوام بانک بزنم. می خوام سیستم حمل و نقل رو نوسازی کنم. می خوام کیلوکیلو و پالت پالت طلا و دلار وارد کشور کنم.» گفت: «خب شاید از این وعده هادادی، ولی خرابکاری کردی و بعدش هم گفتی دست من نبود! یا از دهنم دررفت! یا پای من رو به این جور

ویدئویی از ولادیمیر پوتین و کیم جونگ اون منتشر شد که با یک ماشین به محل مذاکرات در اجلاس شانگهای رفتند



میرسلیم: بنده فیلم رو با دقت دیدم. خودمونیم. ماشینشون با یک ۲۰۶ صندوق دار تقویت شده مونمی زد!

ایران خودرو: ما این فیلم کوتاه رو رصد کردیم و متوجه شدیم همگام با صنعت جهانی خودرو پیش می ریم. چون لاستیک خودروهای تولیدی ما هم عین لاستیکای همون ماشین گرد هستن.

کیم جونگ اون: روابط ما رو به گسترشه. یادمه توی اجلاس قبلی، پوتین فقط برای من بوق زد. ولی این دفعه من رو سوار کرد. دفعه بعد قطعاً می ذاره فلشم رو هم بزنم توی ضبطش.

پوتین: دفعه بعدی خواستی سوار بشی، اگه گزینه «عجله دارم» رو بزنی، زودتر سوارت می کنم.

دونالد ترامپ: من اگه می دیدم راننده این یارو پوتینه، درجا «لغو سفر» می زدم!

سخنگوی داعش: کاش من هم یک همتای سیاسی این مدلی داشتم که با هم سوار یک ماشین می شدیم و یک عملیات انتحاری مشترک انجام می دادیم. پشت سقش هم یک تیربار نصب می کردیم.

گوریل انگوری: می گم یک تعارف هم به من می زدین روی سقف بشینم.

اسنپ: کیم جونگ اون عزیز با کد تخفیف PUTINKIM یک تخفیف ۲۰ درصدی در سفر بعدی بگیرد.

صداوسیما کره شمالی: کیم جونگ اون پوتین را سوار ماشینش کرد.

رئیس مجلس:

مردم قطعی برق را می پذیرند، ولی بی نظمی و بی عدالتی در قطعی برق را نمی پذیرند.



مردم:

این را که مسئولان درباره هر چیزی اظهار نظر کنند، می پذیریم، ولی این را که درباره «پذیرش» مردم اظهار نظر کنند، دیگر واقعا نمی پذیریم.

فرمانده پلیس راهور:

مردم این را که یک نیسان آبی به سمت راست راهنما بزنند و ناگهان به چپ بپیچند، می پذیرند، اما این را که یک راننده خانم جلوشان با سرعت مجاز و آهسته حرکت کند، نمی پذیرند.

اتحادیه نانوایان:

مردم کم شدن ۱۰ هزار تومانی ارزش پول ملی را می پذیرند، ولی کم شدن تعداد چهارتا کنجد از روی نان کنجدی را نمی پذیرند.

وزیر اقتصاد:

مردم تورم کمترشکن ۹۰ درصدی را می پذیرند، ولی اینکه ما آن را ۲۸ درصد اعلام کنیم، نمی پذیرند.

وزیر آموزش و پرورش:

دانش آموزان کمبود چندماهه معلم ریاضی و فیزیک را می پذیرند، ولی ۱۰ دقیقه دیر آمدن معلم ورزش را هرگز نمی پذیرند.

وزیر نیرو در شهریور و پس از طی چند ماه قطع مکرر برق در کشور، برای مشکلات آب و برق راه حل داریم!

راه حل های شگرف!

راه حل داریم برای قطع برق
راه حل داریم برای قطع آب
راه حل داریم برای کل این
وضع داغان و هشلهفت و خراب!

راه حل داریم برای این همه
ناآرامی که خودم آورده ام
تا نپندارید یک وقتی شما
من در این اوضاع کم آورده ام

راه حل هایی همه با قاعده
بر اساس علم و آمار و حساب
راه حل هایی شگرف و بی بدیل
راه حل هایی قشنگ و شیک و ناب
فی المثل بایست تابستان که شد
هر سه ماهش را به کل تعطیل کرد
قبل آن از بابت این کشف نو
باید از من البته تجلیل کرد!

کولر گازی به هر جایی که هست
باید خاموش در این فصل کرد
یا که آن را هم دوگانه سوز کرد
یا به گاز شهر فوری وصل کرد

بعد آن هم بابت قحطی آب
باید اندیشید و فکر چاره کرد
ابرها را بارور باید کنیم
با هواپیما نشد با بالگرد

«ایرلاین آسمان» دارد فقط
یک هواپیما و می گیریم از او
هرچه آب از آسمان بارید را
جمع باید کرد در چندین سیو

چون ز نیرو هست ما را راستی
راست باید گفت و شد دور از دروغ
بعد آن باید گرفت آب از کره!
یا ز نوشابه، و یا حتی ز دوغ

هر کسی هم از خجالت آب شد
زود باید جمع کردش از زمین
واقعا بر این نبوغ و ذوق من
آفرین! صدها هزاران آفرین!

راه حل ها داریم از این بیشتر
حیف قدرم را نمی داند کسی
من فراتر هستم از عصر خودم!
یک زمانی تو به حرفم می رسی

شوخی

الله آراتیان

خداوند! نرخ بالای ۱۰۰ هزار تومان دلار را به ما
دیدند، اما ساعتی شادی رایگان در میدان آزادی
را به ما ندادند.
الهی! چشمی عطا کن که آنچه دیدنی است، آن
بینند.

پلخمه

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر
سردبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر: ضامن: ارزنگ حاتم
دبیر پلخمون: مجتبی نخعی راد
صفحه آرایی: ساعد عاشوری

پیماک: ۳۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir

استخدام مهارت های خاص!

شنیدیم که علی صبوری، بلاگر طنز، در مصاحبه ای گفته: «به یکی حقوق می دادم که جواب فحش های پیجم رو بده!» شاید فکر کنید چه کار زشتی! اما گه مثل ما از زاویه اشتغال زایی بهش نگاه کنیم، ایده های کارآفرینی این مدلی به ذهنتون می رسه.

تماشاگر هدایت کن در فوتبال!



توجه دهنده به زحمات صدا و سیما!



کمیته فنی اخذ نمره:



مدیر بخش
ارتقای رضایت
اریاب رجوع!



کارشناس پاسخگوی سؤالات و ابهامات:



مسئول خفه کردن شکایات در نطفه:

